



نشان می‌دهد، معلمان اکثراً تمایل دارند هشدار دهند و از شیوه‌های تهدید و مجازات دانش‌آموزان استفاده کنند. با این حال، این شیوه فقط جلوه‌هایی کوتاه‌مدت خواهد داشت و ممکن است باعث تکرار رفتارهای نادرست یا مشکلات رفتاری شود. از طرف دیگر، نظم و انضباط مثبت به چگونگی حل مسئله و چگونگی جلوگیری از تکرار آن اشاره دارد. معلمانی که تمایل دارند از یک رویکرد نظم و انضباط مثبت استفاده کنند، دلایل رفتار نادرست را موردتوجه قرار می‌دهند و برای جلوگیری از آن‌ها اقدامات احتیاطی انجام می‌دهند. آن‌ها به کودکان کمک می‌کنند درک کنند چگونه رفتار آن‌ها بر دیگران تأثیر می‌گذارد (سادیک، ۲۰۱۸).

انضباط نرم

نظم و انضباط مثبت در محیط مدرسه به این معنی است که دانش‌آموزان می‌توانند حرکات خود را



آموزگار و کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، سمنان

کنترل کنند. این روش مدیریتی است که در حل مشکلات به آن‌ها کمک می‌کند. دانش‌آموزان با احترام به معلمان و یکدیگر برای زندگی موفق در مدرسه، نزدیک می‌شوند. در این محیط دانش‌آموزان می‌توانند به‌جای مسابقه و رقابت با یکدیگر، کار مشترک را یاد بگیرند (کایالار و همکاران، ۲۰۱۷). مهم‌ترین چالش‌های معلمان در مدیریت کلاس درس، به‌ویژه کلاس‌های پرجمعیت، عبارت‌اند از: پرداختن به دانش‌آموزانی که توانایی آنان با دیگران بسیار متفاوت است؛ جلب توجه همه دانش‌آموزان به درس؛ انجام دادن کارهای شفاهی و گروهی؛ ایجاد یا تقویت انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری؛ نظارت بر رفتار دانش‌آموزان؛ کمک به دانش‌آموزان ضعیف‌تر برای همسان کردن آنان با کلاس؛ نظارت بر پیشرفت یکایک دانش‌آموزان (کشاورز، ۱۳۹۳).

طبق گفته‌های **واتان‌سور** و **بایر کار** و **کایا** (۲۰۱۷)، نظم و انضباط مستلزم پذیرش دانش‌آموزان در وضعیت طبیعی آن‌ها و کمک به تلاش‌های یادگیری به‌منظور ایجاد محیط و کلاسی مطلوب است. از این طریق دانش‌آموزان می‌توانند اعتمادبه‌نفس و احساس ارزش را کسب کنند.

واترمن (۲۰۱۳) در کتاب خود می‌گوید: «اکثر دانش‌آموزان قرن بیست‌ویکم نسبت به گذشته احترام کمی به اقتدار قائل هستند و این موضوع در مدیریت و نظم کلاس ممکن است چالشی مهم ایجاد کند. معلمان در مدرسه‌هایی که کودکان آن‌ها از فقر یا ناسازگاری خانواده‌ها رنج می‌برند، مشکل دارند. این کودکان با عملکردشان در کلاس و جامعه اختلال ایجاد می‌کنند. آن‌ها ممکن است مشکلات خود را از خانه یا محله به مدرسه

بیان مسئله

موضوع چگونگی مدیریت رفتار دانش‌آموزان یکی از دغدغه‌های اصلی معلمان در سراسر جهان است. وقتی دانش‌آموزان بد رفتاری می‌کنند، کمتر یاد می‌گیرند و هم‌سالان خود را از

یادگیری بازمی‌دارند و کلاس و مدرسه را مختل می‌کنند. در واقع، دشواری در مدیریت رفتار دانش‌آموزان به‌عنوان عامل مرتبط با فرسودگی و نارضایتی معلمان ذکر می‌شود. برای مثال تحقیقات نشان داده است «۵۰ درصد از معلمان شهری با اشاره به مشکلات رفتاری و... در پنج سال اول کار خود را ترک می‌کنند. برای ایجاد محیط‌های کارآمد در کلاس باید از رویکردهای مدیریت استفاده کرد. نظم و انضباط شامل روش‌هایی برای جلوگیری از مشکلات رفتاری یا پاسخ‌دادن به آن‌هاست (مارتلا، ۲۰۱۲)». تحقیقات اخیر در مورد موضوع راهبردهای نظم و انضباط نشان داده‌اند که راهبردهای تنبیهی در ارتقای رفتار محدودند و باید با روش‌های انضباطی فعال و تعاملی جایگزین شوند (پان، ۲۰۱۰).

هدف از ایجاد نظم و انضباط این است که معمولاً این مقوله از رشد ذهنی، عاطفی و اجتماعی، مهارت‌های مسئولیت‌پذیری و کنترل خود را در دانش‌آموزان توسعه می‌دهد. ادبیات مرتبط



منتقل کنند. این دانش‌آموزان با نقص‌هایی چون احترام‌نگذاشتن به معلم و هم‌سالان، ناتوانی در کنترل خود، ناتوانی در برخورد مؤثر با سرخوردگی یا عصبانیت و نبود همدلی مواجه هستند».

انواع مدل‌های نظم و انضباط

مدل مدیریت کلاس درس کانتسر (۱۹۷۰): این مدل براساس کار مارلن کانتر با کودکان دارای مشکلات رفتاری گسترش یافت. اگرچه این رویکرد معمولاً بر پاداش و مجازات تمرکز دارد، کانتر در واقع به «توجه به خوب بودن دانش‌آموزان» تأکید می‌کند. این رویکرد برای مدیریت رفتار در یک کلاس درس ایجاد شده است و بر این عقیده مبتنی است که معلمان حق دارند در یک کلاس با مدیریت خوب تدریس کنند و دانش‌آموزان حق یادگیری در محیطی کنترل شده را دارند.

این فرضیه همچنین بیان می‌کند، معلمان باید قبل از شروع سال تحصیلی برنامه‌های منظم برای نظم و انضباط تدوین کنند و سپس انتظارات و پیامدهای آن را به سرعت به دانش‌آموزان اعلام کنند. داشتن برنامه‌ای از پیش تعیین شده و منظم، به معلم اجازه می‌دهد با انتظارات رفتاری سازگار باشد و ستایش‌ها و پیامدها را به روشی منصفانه و مطمئن به کار گیرد. چهار مؤلفه اصلی این مدل عبارتند از: ۱. مجموعه‌ای از قوانین سازگار، محکم و عادلانه؛ ۲. مجموعه‌ای از پیش تعیین شده از پیامدهای مثبت برای رعایت قوانین؛ ۳. مجموعه‌ای از پیش تنظیم شده از پیامدهای منفی که در صورت نبود رعایت قوانین اعمال می‌شود؛ ۴. طرحی برای پیاده‌سازی مدل با دانش‌آموزان. کانتر معتقد است، یک برنامه مدیریت رفتار مؤثر با انتخاب دانش‌آموزان آگاهانه تقویت می‌شود. دانش‌آموزان از انتظارات معلم آگاه هستند و می‌دانند اگر انتظارات را برآورده کنند و برعکس، چه اتفاقی رخ می‌دهد (مالمگرن، ۲۰۰۵).

مدل پیامدهای منطقی: دومین مدل محبوب مدیریت کلاس را رودولف دریکورز (۱۹۶۸) بیان کرده است. این مدل بر کار قبلی روان‌پزشک آلمانی آلفرد آدلر مبتنی است و به این عقیده تکیه دارد که رفتار نادرست دانش‌آموزان نتیجه‌ای از نیازهای برآورده نشده آن‌هاست. یکی از مفروضات اساسی این مدل آن است که همه دانش‌آموزان به پذیرش اجتماعی احتیاج دارند. هنگامی که این نیاز برآورده نشود، دانش‌آموزان سلسله‌مراتبی از رفتارهای نادرست را براساس آنچه دریکورز از

آن‌ها به عنوان «اهداف اشتباه» یاد می‌کند، نشان می‌دهند. دریکورز معتقد است، هنگامی که نیاز دانش‌آموز برآورده نشود، او ابتدا رفتارهای مورد توجه خود را نشان می‌دهد. اگر این رفتارها به پذیرش مطلوب

منجر نشود، دانش‌آموز سعی خواهد کرد معلمان را در مبارزات قدرت درگیر کند. دانش‌آموز ممکن است روی موضوعات عدالت و تلاش برای انتقام تمرکز کند. اگر این رفتار ناموفق باشد، ممکن است سرانجام به «نمایش ناکافی» متوسل شود؛ جایی که به نظر می‌رسد به راحتی تسلیم و منصرف شده است. این مدل به تأمین نیاز ذاتی برای به دست آوردن شناخت و پذیرش تأکید دارد.

بنابراین، معلمان باید در کلاس درس زمینه‌ای را برای پذیرش همه دانش‌آموزان ایجاد کنند (مالمگرن، ۲۰۰۵).

آموزش اثربخشی معلم: آموزش اثربخشی معلم سومین الگوی پایدار مدیریت کلاس است. **توماس گوردون**، نویسنده این مدل، مدیریت مؤثر کلاس را به عنوان تغییر مسئولیت‌های مدیریت از معلم به دانش‌آموزان مفهوم‌سازی می‌کند. گوردون بر اهمیت آموزش دانش‌آموزان برای تنظیم و مدیریت رفتار خود تأکید دارد. در همین راستا، گوردون ارزش محرک‌های کوچک را برجسته و معلمان را ترغیب می‌کند هنگام مکالمه با دانش‌آموزان در مورد رفتار مشکل‌ساز کلاس، از «پیام‌هایی» استفاده کنند. مدل گوردون بر نقش معلم در مدیریت رفتار در کلاس درس تأکید زیادی دارد و روش‌هایی را ایجاد می‌کند که معلم بتواند دانش‌آموزان را قادر سازد از طریق الگوبرداری رفتار خود را تنظیم کنند (مالمگرن، ۲۰۰۵).

مدل کونین: یادگیری بهینه زمانی رخ می‌دهد که معلمان دانش‌آموزان را هوشیار نگه دارند و آن‌ها را مسئول یادگیری بدانند. ملالت را می‌توان با ارائه متنوع درس‌ها، تغییر محیط کلاس درس و آگاهی دانش‌آموز از پیشرفت کاهش داد (توماس، ۱۹۹۶).

مدل جینوت، پرداختن به موقعیت با پیام‌های عاقلانه: از نظر جینوت، نظم و انضباط کم‌کم اتفاق می‌افتند. او چند نکته را در برقراری نظم و انضباط مهم می‌داند: هنگام تصحیح رفتار نادرست از پیام‌های عاقلانه استفاده کنید. به آنچه دانش‌آموز انجام می‌دهد توجه کنید، به شخصیت دانش‌آموز (ویژگی‌های شخصیتی) حمله نکنید. از همکاری، به جای مطالبه آن، دعوت کنید. عمل را ستایش کنید نه دانش‌آموز را. از مقایسه کردن پرهیزید. عزت‌نفس دانش‌آموز را توسعه دهید (توماس، ۱۹۹۶).

مدل گلاسر: گلاسر در مدل خود به چند نکته تأکید می‌کند:

- رفتار خوب از گزینه‌های خوب ناشی می‌شود. دانش‌آموزان موجوداتی منطقی هستند که قادرند رفتارهای خود را کنترل کنند

- به دانش‌آموزان کمک کنید انتخاب‌های خوب را بیاموزند، زیرا انتخاب‌های خوب باعث ایجاد رفتار خوب می‌شود.
- بهانه‌های رفتار بد را قبول نکنید. بپرسید «چه انتخابی داشتی؟ چرا؟ نتیجه را دوست داری؟ چه یاد گرفته‌ای؟» (توماس، ۱۹۹۶).

یادگیری بهینه زمانی رخ می‌دهد که معلمان دانش‌آموزان را هوشیار نگه دارند و آن‌ها را مسئول یادگیری بدانند. ملالت را می‌توان با ارائه متنوع درس‌ها، تغییر محیط کلاس درس و آگاهی دانش‌آموز از پیشرفت کاهش داد

مدل جونز: زبان بدن، سیستم‌های تحریک‌کننده و ارائه کمک‌های کارآمد، در مدیریت کلاس درس مؤثرند. تماس چشمی و نزدیکی جسمی، ژست مناسب، اشاره به قانون روی تخته، صدا زدن و مکث کردن، نمونه‌هایی برای استفاده از زبان بدن هستند (توماس، ۱۹۹۶).

واقعیت‌درمانی: دانش‌آموزان خودتنظیمی دارند و می‌توانند

پیشنهادها

گردآوری تجربه‌های معلمان موفق سراسر کشور در زمینه ایجاد نظم و انضباط مثبت در کلاس درس؛
 ایجاد کارگاه‌های بحث و تبادل نظر بین معلمان برای حل مشکلات ویژه دانش‌آموزان، همراه با مشارکت مشاوران و روان‌شناسان؛
 ایجاد جلسات ویژه بین معلمان و والدین برای بررسی مشکلات هر دانش‌آموز؛
 تدوین جدول انضباط هوشمند و تکمیل آن توسط معلم و والدین و دانش‌آموز، و استمرار آن تا رفع کامل مشکل رفتاری؛
 انجام پژوهش در مورد بهترین شیوه مدیریت کلاس درس در مورد هر جنس و پایه و دوره تحصیلی.

یاد بگیرند رفتارهای خود را مدیریت کنند. دانش‌آموزان با بررسی طیف گسترده‌ای از پیامدهای رفتار خود و با قضاوت ارزشی درباره رفتار، رفتارهای مسئولانه را می‌آموزند. رفتار دانش‌آموزان شامل تلاش برای تأمین نیازهای شخصی برای بقا، تعلق و عشق، قدرت، آزادی و سرگرمی است. فضای کلاس درس باید گرم و حمایتی باشد تا دانش‌آموزان بتوانند کار را با کیفیت انجام دهند و نسبت به خود احساس خوبی داشته باشند. قوانین باید در کلاس تدوین شوند. معلمان باید با دانش‌آموزان با احترام متقابل برخورد کنند. برای کنترل رفتار دانش‌آموزان هرگز نباید از اجبار استفاده شود، چرا که در این صورت بی‌اعتمادی غالب خواهد شد (مارتلا، ۲۰۱۲). مدل پیشنهادی برای مدیریت کلاس درس به این شرح پیشنهاد می‌شود: (نمودار ۱)

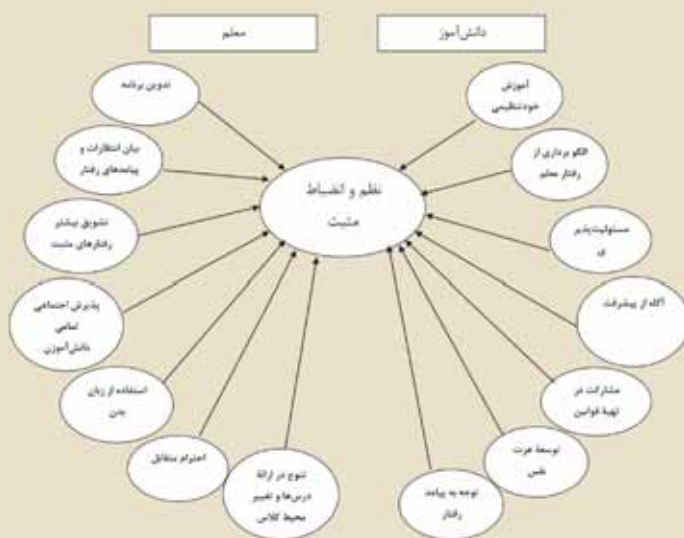
به دانش‌آموزان کمک کنید انتخاب‌های خوب را بیاموزند، زیرا انتخاب‌های خوب باعث ایجاد رفتار خوب می‌شود.

منابع

۱. جبار کشاورز (۱۳۹۳). مدیریت کلاس درس، موانع و راهبردها. رشد تکنولوژی آموزشی (۳۰).
2. Malmgren, K. W., Trezek, B. J., & Paul, P. V. (2005). *Models of classroom management as applied to the secondary classroom. The Clearing House: A Journal of Educational Strategies, Issues and Ideas*, 79(1), 36-39.
3. Martella, Ronald C.; Nelson, J. Ron; Marchand-Martella, Nancy E. & O'Reilly, Mark (2012). *Comprehensive Behavior Management: Individualized, Classroom, and Schoolwide Approaches*. SAGE Publications, Inc.
4. Sadik, F. (2018). *Children and Discipline: Investigating Secondary School Students' Perception of Discipline through Metaphors*. European journal of educational research, 7(1), 31-45.
5. Vatanserver Bayraktar, H., & Kaya, M. (2017). *Okul yÖneticilerinin okuldaki disiplin sorunlarıyla ilgili tutumlarının incelenmesi*. Journal of Human Sciences, 14(1), 883-901. <https://doi.org/10.14687/jhs.v14i1.4462>.
6. Waterman, S. N. (2013). *The four most baffling challenges for teachers and how to solve them: Classroom discipline, unmotivated students, underinvolved or adversarial parents, and tough working conditions*. Routledge: Chapman & Hall.
7. Thomas H. Allen, Ph.D.1996 (Retrieved January 2010 from: <http://www.humboldt.edu/~tha1/discip-options.html>)
8. Kayalar, F., Özbaş, M., Yalçın, S., & Uslu, T. (2017, October). Veteran Principals' Views on the Effect of Positive Discipline on Classroom Management for Novice Teachers. In International Symposium on Chaos, Complexity and Leadership (pp. 139-151). Springer, Cham.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین وظایف معلمان از نظر آموزش و پرورش، مدیریت صحیح کلاس‌های آن‌ها و رسیدن به اهدافشان است. به این منظور، معلمان باید مهارت‌های مدیریت کلاس درس را داشته باشند. در غیر این صورت، نبود کفایت در مهارت‌های مدیریت کلاس در معلمان، ممکن است بر رضایت معلمان از کار خود و همچنین احساس کفایت در محل کار تأثیر منفی بگذارد. ایجاد نظم و انضباط در کلاس درس، به‌ویژه برای معلمانی که به‌تازگی کار خود را شروع کرده‌اند، بسیار مهم است. بنابراین، با توجه به نتایج این پژوهش توصیه می‌شود، معلمان قوانین و مقررات را قبل از شروع سال تحصیلی تدوین کنند و در تهیه این قوانین از نظرات دانش‌آموزان هم بهره بگیرند. از انواع علل بی‌نظمی و شیوه‌های کاهش آن، مطابق با سن و جنس و ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان، آگاهی یابند و از روش‌های مدون علمی و روان‌شناسی به‌جای تهدید و تنبیه استفاده کنند تا اثربخشی بیشتری دریافت کنند.



نمودار ۱. مدلی برای ایجاد نظم و انضباط مثبت در کلاس درس